

رئیس مؤسسه تحقیقات  
صلح نوبل اعلام کرد  
**علی اکبر صالحی**  
لیست احتمالی ج  
صلح نوبل ۲۰۱۶  
سیاست صفحه ۳

سه شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۴  
۲۲ ربیع الثانی ۱۴۳۷ • ۲۰ فوریه ۲۰۱۶  
سال اول • دوره جدید • شماره ۵۶ • ۸ صفحه  
۵۰۰ تومان

# وقایع اتفاقیه

آیت الله هاشمی رفسنجانی:  
**همه بدهکار**  
**بیت امام (ره)**  
هستیم



سیاست صفحه ۲

سیاست | اعطای نشان به پاسداران، ضربه‌ای دیگر به آمریکا وارد کرد | جهان | توافق نظامی بحرمانه قطر و ترکیه | اقتصاد | دلوپاسان، کارشکنی اقتصادی را آغاز کرده‌اند | فرهنگ | سالار عقیلی آلبوم منتشر کرد | جامعه |

## سرمقاله

تلاش روحانی  
از مجلسی یک  
حسین انصاری  
فعال سیاسی



«محسن رنانی» نسبت به تأثیر انتخابات بر اقتصاد کشور هشدار داد

# تنش‌های انتخاباتی، عامل رکود اقتصادی

اقتصادی صفحه ۵

ژرمن‌ها برای کاهش تنش میان ت  
آغاز سفر خاور میا  
به ایران و

بلوای تازه کیفیه  
بالاخره پاک اسه

افتتاحیه جشنواره فیلم  
مراسمی با ط  
و دلجویی از



جلسه انتخاباتی سران قوا  
به میزبانی رئیس جمهوری برگزار شد

## تاکید بر انتخاباتی پر شور، سالم و رقابتی

سیاست صفحه ۲

آمریکا و روسیه بر بستن پرونده جنگ سوریه توافق کرده‌اند

## مخالفان بشار اسد در آستانه فروپاشی

جهان صفحه ۴

درمان ناباروری هم وارد بازار سیاه شد

## اجاره رحم ۱۸ میلیون تومان

جامعه صفحه ۷

فرموده

کاسه چهل کلید

رهزگشایی بیانات  
پهلوان میر کاظمی

شهرام شکیبیا



# تنش‌های انتخاباتی عامل رکود اقتصادی



عکس: رضا عزیزی، وقایع اتفاقیه

وقایع اتفاقیه: محسن رنایی، تحلیلگر شناخته‌شده اقتصادی، بر این باور است، شرایط ایران هنوز برای رسیدن به دموکراسی آماده نیست. به اعتقاد او، برقرار نشدن آشتی ملی در فضای داخلی سیاسی ایران و تلاش جناح‌ها برای حذف یکدیگر از عرصه انتخابات این پیام را منتقل می‌کند که در ایران هنوز عدماى به دنبال قدرت‌طلبی هستند که همین امر فضا را برای ایجاد دموکراسی در ایران تنگ می‌کند. او بارها تأکید کرد، از روند برگزاری انتخابات مجلس و آینده این انتخابات نگران است. رنایی که او را در میان کارشناسان و دانش‌آموختگان اقتصاد «سهراب سپهری اقتصاد ایران» می‌شناسند، این روزها بر «اقتصاد سیاسی» متمرکز شده است. وی برای هر رویداد سیاسی یا اجتماعی مهم، از منظر دانش اقتصاد سیاسی تحلیل‌های جدید ارائه می‌دهد. اقتصاد سیاسی که دست کارشناسان اقتصادی اندکی این روزها در آتش آن است گویا، دانشی است که قرار است، از این پس بیش‌ازپیش محافل سیاسی و روشنفکری را درگیر خود کند و از این پس نقش قابل توجهی در تحلیل‌های استخوان‌دار کارشناسان داشته باشد. این استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان چندی پیش در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان - که به قول خودش مخاطب آن سایر آحاد مردم نیز هستند- پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهایی را مطرح کرده که متن کامل و چکیده آن را روی سایت شخصی خود قرار داده است. آنچه می‌خوانید چکیده سخنرانی این تحلیلگر اقتصادی در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی درباره نامه ۲۵ صفحه‌ای خود به شورای نگهبان است:

## نامه‌های سیاسی از یک کارشناس اقتصادی

رنایی در این نشست گفت: «تقسیم کار یعنی اینکه هر کس در زمینه‌ای بیشتر تخصص دارد، تنها در آن زمینه تخصص خود را در اختیار جامعه قرار دهد. بنده نیز با توجه به همین مسئله سال‌ها است که به صورت تخصصی در حوزه اقتصاد سیاسی وارد شدم. تلقی بنده این است مادام که تصمیم‌های ما در اداره کشور فاقد پشتوانه کارشناسی در حوزه اقتصاد سیاسی باشد، قطعاً بسیاری از آنها شکست خواهد خورد. بنده تصور می‌کنم یکی از علل شکست دولت آقای احمدی‌نژاد در حوزه اقتصادی، این بود که ایشان فاقد مشاور اقتصاد-سیاسی در کنار کارشناسان اقتصاد کلان و سایر مشاورانش بود. البته این انتقاد تاحدی به دولت‌های قبیل از ایشان نیز وارد است»

یکی از حوزه‌هایی که اقتصاد سیاسی در آن ورود می‌کند، تحلیل و بررسی وقایع خاصی سیاسی و تأثیر آن بر اقتصاد کشور است»

به گفته رنایی، برای مثال انتخابات مجلس دهم تأثیر بسیار زیادی در آینده اقتصادی کشور خواهد داشت. رنایی در ادامه با بیان اینکه از آینده انتخابات مجلس در کشور نگران است تصریح کرد: چراکه اگر در این انتخابات نیز بی‌ثباتی‌ها و تنش‌هایی ایجاد شود، این بحران به اقتصاد کشور نیز سرایت می‌کند و وضعیت رکودی فعلی چند سال دیگر نیز ادامه خواهد یافت.

وی توضیح داد: هم‌اکنون حدود هشت میلیون بیکار در کشور وجود دارد که در این صورت ممکن است صدها هزار نفر به جمعیت آن افزوده شود؛ در این زمینه من ۳۰ نشست با چهره‌های مطرح هر دو جناح سیاسی عمده در کشور و همچنین نشست‌هایی با دانشگاهیان، صاحب‌نظران، اصناف و همچنین اتاق‌های بازرگانی داشتم و در این زمینه نکات مهمی را گوشزد کردم. راهکار من برای جلوگیری از ایجاد اختلافات این است که باید بتوانیم یک گفت‌وگوی

ملی ایجاد کنیم اما هنوز به این نقطه نرسیدیم و این ظرفیت هنوز در نخبان سیاسی ما وجود ندارد. به نظر بنده اگر این فضا ادامه یابد، رکود اقتصادی نیز ادامه خواهد یافت، بنابراین بنده در نامه‌ای نکاتی را به شورای نگهبان عرض کردم که مخاطب آن نامه سایر مسئولان، روشنفکران و مردم نیز هستند. بی‌شک هدف بنده از انتشار این نامه، این بود که بتوانیم طرحی در راستای همبستگی ملی در اندازیم»

## حذف رقبا، فضای دو قطبی را از بین نمی‌برد

این تحلیلگر اقتصادی همچنین با اشاره به اینکه اکنون فضای انتخابات در کشور دو قطبی شده است، تأکید کرد: «می‌دانیم که انتخابات دو قطبی برای کشور امر مثبتی نخواهد بود. حتی اگر یک جناح بخواهد جناح دیگری را حذف کند، این هم به نوعی حفظ فضای دو قطبی است، چراکه وقتی یک جناح، جناح دیگر را از گردونه رقابت حذف می‌کند، خود به خود این پیام را به مردم منتقل می‌کند که بخران و قطبی‌شدگی آن قدر جدی است که ما مجبوریم تعداد زیادی از نفرات جناح مقابل را حذف کنیم»

در نتیجه این پیام نباید به مردم مخابره شود. از طرفی برخی می‌گویند رأی ما شکل اعتراضی باید داشته باشد. این یعنی انتخابات به نوعی حالت رفراندومی تبدیل شود که این نیز خوب نیست. از طرفی برخی از مردم می‌خواهند که در انتخابات شرکت نکنند. به نظر می‌رسد این نیز مطلوب نیست. یگانه راه ما برای حفظ دموکراسی نوپای موجود در کشورمان شرکت در انتخابات و جلوگیری از

شکل‌گیری یک اکثریت تندروی یک دست در مجلس است. از طرفی شاید با تک‌جانبی شدن انتخابات بخش زیادی از کاندیداها و نخبان کشور برای همیشه از مشارکت در امور کشور (حتی بیرون از قدرت) کناره‌گیری کنند که خود این امر آسیب‌بزرگی محسوب می‌شود» این تحلیلگر بر این باور است: امروزه در جوامعی که دارای نهادهای مدنی هستند و شرایط آنها مانند کره شمالی نیست، مسئله اقتصاد یک عامل تعیین‌کننده در بسیاری از تحولات سیاسی است. برای مثال اگر ما به این سرعت به برجام رسیدیم، یکی از مهم‌ترین علل بروز مسائل اقتصادی بود. امروزه اقتصاد خود را به روابط سیاسی

را از بین ببریم. باید این مسئله جا بیفتد که اگر در نتیجه تنش‌های سیاسی بحرانی ایجاد شود، این بحران منافع اقتصادی همه را به خطر خواهد انداخت و در این زمینه کسی مصون نخواهد بود، بنابراین باید این مسئله در بین افراد جا بیفتد که در جریان رقابت‌های سیاسی کسی دنبال نابودی منافع اقتصادی کسی نیست، بنابراین عقلانیت حکم می‌کند، شرایطی را ایجاد نکنیم که منافع مادی و معیشتی همه به خطر بیفتد. البته این مسئله را نباید محدود به مسائل مادی و اقتصادی کرد، زیرا متأسفانه برخی از افراد در جریان‌های سیاسی مختلف حس می‌کنند، اگر در جریان یک گفت‌وگوی سیاسی و ملی گسترده حضور یابند، از هم طیف‌های خود برچسب «سازشکاری» و «مماشات» می‌خورند. به نظر بنده این ترس سیاسی نیز بسیار منفی است و باید شرایطی ایجاد شود که این ترس از بین برود»

## مشروعیت‌زایی غیرسیاسی در چین و عربستان

محسن رنایی در این جلسه در پاسخ به پرسش «وقایع اتفاقیه»، مبنی بر اینکه «چرا کشورهایی مانند عربستان و چین باوجود اینکه از نظر سیاسی یک‌دست هستند و گشایش سیاسی مسئله آنها نیست، هنوز در معرض بحران‌های شدید اقتصادی و التهابات گسترده اجتماعی قرار ندارند»، گفت: «مورد عربستان یک مورد ویژه است. عربستان کشوری است که از محل درآمدهای حاصل از گردشگری و فروش نفت و گاز، سالانه صد میلیارد دلار درآمد دارد و برخلاف ما، ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز می‌فروشد. این درآمد گسترده و بادآورده نفتی عملاً باعث شده که از بحران‌های ناشی از ناکارآمدی و گشایش‌نداشتن فضای سیاسی و اجتماعی مصون باشد. ما نیز زمانی که بیش از زمان کنونی به درآمد نفتی متکی بودیم، نسبت به گشایش فضای سیاسی و اجتماعی بی‌تفاوت بودیم»

در چین نیز باوجود بسته‌بودن شرایط سیاسی و اجتماعی ما با موفقیت‌های اقتصادی روبه‌رو هستیم اما باز هم در آنجا دولت توانسته نوعی مشروعیت ایجاد کند. درست است که چین از نظر مشروعیت سیاسی ضعیف است و حکومت آن به‌طور مستقیم از مردم مشروعیت نگرفته است اما در این مدت توانسته به‌جای مشروعیت سیاسی، «مشروعیت کارآمدی» و اداری کسب کند یعنی به دلیل اینکه دولت چین توانسته در این مدت با فساد به صورت گسترده مبارزه کند و نظام اداری و مدیریت اقتصاد خود را به صورتی درآورد که مردم را راضی نگه‌دارد؛ توانسته با این نوع مشروعیت، خلأ ناشی از مشروعیت مردمی

و سیاسی را بپوشاند. اکنون مردم چین به خودشان می‌گویند، اگر فضای سیاسی باز نیست، در عوض وضعیت اقتصادی و قدرت کشورشان بالاست و این باعث می‌شود در آینده امکان حرکت به سمت گشایش سیاسی هموارتر شود. واقعیت این است که در کشوری مانند چین، در این مدت با شیبه آرام، اندکی گشایش اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته و فضا برای گشایش فضای سیاسی نیز فراهم است»

وی همچنین توضیح داد: اما این دو را نباید با ایران مقایسه کنیم. ما هم از درآمد بالای نفتی محروم هستیم. و هم از نظر کارآمدی اداری شرایط خوبی نداریم. در رتبه فساد در طبقه هشتم (از هشت طبقه) قرار داریم. این امر در کنار سایر نشانه‌های ضعف مدیریتی، این پیام را به مردم می‌رساند که مشروعیت کارآمدی مدیریتی در ایران هنوز به مرحله مناسبی نرسیده است، بنابراین در این شرایط اهمیت افزایش محبوبیت و مشروعیت سیاسی جدی‌تر می‌شود و به این خاطر است که مسئله انتخابات مجلس باید از اهمیت ویژه‌ای نزد نخبگان و مسئولان برخوردار باشد»

تحلیل می‌کند و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. پس اگر ما در خارج کشور موفق به گفت‌وگو شدیم، چرا نتوانیم در داخل کشور موفق شویم. این گفت‌وگوی ملی، به این دلیل اهمیت دارد که باوجود آن می‌توانیم در هنگام بروز بحران‌های اقتصادی آبی، مشارکت مردمی را نیز در کنار دولت داشته باشیم. ما جای خالی این مشارکت را در زمانی که دولت از مردم درخواست کرد تا از دریافت پلارانه صرف‌نظر کنند، کاملاً حس کردیم، بنابراین باید شرایطی برای جامعه ایجاد شود که در زمان بحران‌های اقتصادی به کمک دولت بیاید، چراکه پایه ثبات و اقتدار سیاسی، ثبات اقتصادی کشور است. اکنون دولت باید با مجموعه حاکمیت وارد گفت‌وگو شود. در غیر این صورت خود دولت بیشترین ضربه را از بحران‌های آبی خواهد خورد. لازم به ذکر است که عده‌ای دقیقاً قصد دارند با بستن فضا در این شرایط، به دولت ضربه بزنند، بنابراین لازم است دولت در این شرایط تکلیف خود را روشن کند، چراکه اگر مجلس در انحصار یک گروه خاص باشد، قطعاً اقتصاد ایران از رکود نجات نخواهد یافت»

## شرایط ایران برای رسیدن به دموکراسی آماده نیست

این استاد اقتصاد در دانشگاه اصفهان تأکید کرد: دغدغه بنده از این نام‌نگاری‌ها و اظهارات، دموکراسی نیست. از نظر بنده دموکراسی در جامعه‌ای قابل پیگیری و تحقق است که امکان گفت‌وگو و دیالوگ بین مردم و گروه‌ها در آن به وجود آمده باشد اما در ایران هنوز این شرایط فراهم نیست. در این شرایط هدف بنده ادامه روند توسعه کشور و خروج از رکود است. خروجی که نیاز به فضایی عاری از تنش‌ها و التهابات سیاسی دارد»

## نباید دنبال حذف قدرت اقتصادی جناح‌ها باشیم

در ایران برخی از جناح‌های سیاسی حاضر در قدرت به اندازه قدرت بالای سیاسی خود، قدرت اقتصادی دارند. اساساً در عالم سیاست هر فردی منافع گروه و طبقه خود را نمایندگی می‌کند. برخی از سیاست‌مداران تصور می‌کنند که کاهش قدرت سیاسی آنان به تضعیف قدرت اقتصادی آنان نیز خواهد انجامید. ما باید این ذهنیت

تصور می‌کنم یکی از علل شکست دولت آقای احمدی‌نژاد در حوزه اقتصادی، این بود که ایشان فاقد مشاور اقتصاد سیاسی در کنار کارشناسان اقتصاد کلان و سایر مشاورانش بود. البته این انتقاد تاحدی به دولت‌های قبل از ایشان نیز وارد است